فصلنامه تحقیقات جدید در علوم انسانی(دوره جدید)

شماره۴۴،
دوره چهاردهم،
سال چهارم،
تابستان ۱۴۰۳،
صص ۱-۱۴

راهبرد بهینه استفاده از ظرفیت شعر فارسی در انتقال مفاهیم فرهنگی

ناصر پروانی[۱]، مریم روحانی[۲]

چکیده

شعر فارسی از دیرباز یکی از قدرتمندترین ابزارهای بیان و انتقال ارزش‌های فرهنگی به نسل‌های بعد بوده است. به‌عنوان بخشی جدایی‌ناپذیر از هویت ایرانی، شعر پلی میان احساسات، عقل، رفتار و داوری‌ها ایجاد کرده و موجب هماهنگی و انسجامی شده است که ذهنیت جمعی و رفتار اجتماعی را شکل می‌دهد. شعر فارسی که عمیقاً با بافت تاریخی و فرهنگی ملت ایران درهم‌تنیده است، نقش مهمی در انتقال فرهنگی، آموزش و تغییرات اجتماعی ایفا کرده است. این پژوهش که به روش روایت نگاری توصیفی-تحلیلی انجام‌شده است، به بررسی کارکردهای شعر فارسی در انتقال مفاهیم فرهنگی و تدوین راهبردهای بهینه برای تقویت این فرآیند می‌پردازد. تحقیق بر اساس بررسی گسترده محتوای شعر فارسی، تأثیرات تاریخی آن و پتانسیل این شعر در تقویت انسجام اجتماعی و شکل‌دهی به هویت ملی استوار است. با تحلیل آثار کلیدی شعر فارسی و تأثیرات فرهنگی آن، پژوهش راهبردهایی را شناسایی می‌کند که می توان از آن‌ها برای بهره‌گیری از شعر در انتقال مؤثر ارزش‌های فرهنگی توسط معلمان، سیاست‌گذاران و نهادهای فرهنگی استفاده کرد. نتایج نشان می‌دهد که شعر فارسی، از طریق ترکیب منحصربه‌فرد بیان هنری و تأثیر عاطفی، به‌عنوان یک رسانه حیاتی برای حفظ و انتقال فرهنگ عمل می‌کند. این مطالعه بر اهمیت ادغام شعر در چارچوب‌های آموزشی و فرهنگی تأکید دارد تا ارتباط عمیق‌تری با هویت فرهنگی ایرانی، به‌ویژه در میان نسل‌های جوان‌تر، ایجاد شود.

کلید واژگان: شعر، انتقال فرهنگی، مفاهیم فرهنگی، فرهنگ، راهبرد

[۱]دانشجوی دکتری گروه مدیریت و برنامه ریزی امور فرهنگی، واحد بین المللی کیش، دانشگاه آزاد اسلامی، جزیره کیش، ایران (نویسنده مسئول)

[۲]استادیار گروه مهندسی بافت و علوم سلولی کاربردی، دانشکده فناوری‌های نوین پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

شماره۴۴،
دوره چهاردهم،
سال چهارم،
تابستان ۱۴۰۳،
صص ۱-۱۴

۱- مقدمه

آفرینش‌های ادبی به‌عنوان نمادهایی از تلاش و خلق انسان در دنیای اجتماعی، ریشه‌های عمیقی در ارتباطات و پیوندهای انسانی دارند. هر نگاهی به این افکار و آثار، نقش جامعه را به‌عنوان سازنده و تأثیرگذار آن‌ها نشان می‌دهد. انسان، در مسیر خلق این آثار، با نهادها، فرهنگ و محیط اطرافش در ارتباط بوده و از آغاز تاریخ، فرهنگ به‌عنوان نتیجه‌ی این تعاملات معرفی‌شده است (حسن‌زاده و همکاران، ۱۳۹٤).

فرهنگ، چون اثری از آمیخته شدن تجربیات و تفاوت‌ها، در هر جامعه به‌صورت یک دستاورد برجسته شناخته می‌شود. این پدیده‌ی چندلایه‌ای، نه‌تنها جامعه را به ابعاد مختلف می‌شناساند بلکه در تعیین مسیر و نحوه‌ی تفکر و عمل جامعه نیز نقش پررنگی دارد. به همین دلیل، توسعه‌ی هر جامعه، بر پایه‌ی پذیرش و درک فرهنگ بومی خود، به یک‌روند آینده‌نگر تبدیل می‌شود. در پژوهش‌ها و مطالعات میان‌رشته‌ای، تأکید بر توجه به ظرفیت‌ها و امکانات فرهنگی و تاریخی هر جامعه، به‌منظور بهبود درک و کاربرد بهتر یافتن نتایج، امری حیاتی است. استفاده از رویکردهایی که با ویژگی‌ها و منابع بومی هر جامعه سازگاری دارند، می‌تواند به نتایج بهتر و بهره‌وری بیشتر در پژوهش‌ها منجر شود (شاکری، ۱۳۹۵).

شعر همچون یک‌زبان و یک سنت فرهنگی با ساختار وجودی ما ایرانیان تنیده است. ما شاعرانه می‌اندیشیم، شاعرانه حرف می‌زنیم و حتی رفتار می‌کنیم. شعر همچون پلی میان احساسات، عقل، رفتار و حتی داوری‌های ما درباره خودمان و دیگران، توانسته نوعی هماهنگی و انسجام ایجاد کند که این خود متضمّن تأثیرگذاری‌های کمی و عمدتاً کیفی در شخصیت، بینش و منش ماست . شعر در بخش‌های زیادی از زندگی ما ازجمله زبان روزمره و تخصصی، گفتمان سیاسی، فرهنگ عمومی و روابط اجتماعی، تبلیغات و اطلاع‌رسانی حضور پویا دارد (شاکری، ۱۳۹۵).

ارزش‌ها و فرهنگ وسیله‌ی همبستگی اجتماعی هستند و انتقال این ارزش‌ها باعث پیوند فرهنگی می‌گردد. به‌طورکلی می‌توان گفت که عوامل و ارزش‌های مشترک در طرز تلقی افراد، در زمره مهم‌ترین عوامل هم‌بستگی اجتماعی قرار دارند و از عناصر مهم وحدت روحی و روانی اشخاص محسوب می‌شوند. امروزه جهانی‌شدن به‌سرعت درروند نگرش افراد به هویت اجتماعی آنان تأثیر می‌گذارد. توسعه فناوری، اطلاعات و ارتباطات الکترونیکی از عواملی است که سبب نزدیکی افراد جامعه و شناخت از نوع بینش و تمدن و فرهنگ یکدیگر می‌شود. ادبیات و به‌خصوص شعر آیینه‌ی تمام نمای فرهنگ یک ملت است که در آن شخصیت فردی، اجتماعی و فرهنگ یک قوم منعکس می‌شود (مرآتی، ۱۳۸۹).

بر همین اساس در این مقاله ما برآنیم که به بررسی راهبردی بهینه برای استفاده از ظرفیت شعر فارسی در انتقال مفاهیم فرهنگی بپردازیم. در این مقاله دو مسئله دنبال می‌شود یکی توجه به حوزه‌هایی است که شعر فارسی می‌تواند در آن‌ها تأثیرگذار باشد و دیگری تأثیرگذاری شعر فارسی در انتقال مفاهیم فرهنگی می‌باشد.

۲- روش پژوهش

این پژوهش با رویکرد مروری روایی، که متشکل از بررسی و ترکیب ادبیات موجود در مورد نقش شعر فارسی در انتقال مفاهیم فرهنگی می‌باشد، انجام‌شده است. روش انجام این مطالعه شامل مراحل زیر بود:

- **جمع‌آوری داده‌ها:**

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

شماره۴۴،
دوره چهاردهم،
سال چهارم،
تابستان ۱۴۰۳،
صص ۱-۱۴

مجموعه گسترده‌ای از منابع اولیه و ثانویه، ازجمله کتاب‌ها، مقالات مجلات با داوری همتا، و مجموعه مقالات کنفرانس با تمرکز بر شعر فارسی و اهمیت تاریخی و فرهنگی آن گردآوری شد. این منابع همچنین شامل متون کلاسیکی بود که به بررسی رابطه بین شعر، فرهنگ و جامعه و همچنین آثار تحلیلی مدرن در زمینه انتقال فرهنگی می‌پرداخت.

- **معیارهای ورود:**

ادبیات بر اساس ارتباط آن با موضوعات زیر انتخاب شد:

- اهمیت تاریخی و فرهنگی شعر فارسی.
- کارکرد شعر در انتقال ارزش‌ها و مفاهیم فرهنگی به نسل‌ها.
- راهکارهای نظری و عملی استفاده از شعر به‌عنوان ابزار فرهنگی.
- تأثیر شعر در انسجام اجتماعی و شکل‌گیری هویت.

- **معیارهای خروج:**

منابعی که به‌طور خاص بر نقش فرهنگی شعر فارسی تمرکز نداشتند یا خارج از محدوده مطالعات فرهنگی بودند، حذف شدند. علاوه بر این، متون صرفاً بر جنبه‌های فنی شعر (مانند عروضی بدون تحلیل فرهنگی) حذف شدند.

- **روش تجزیه‌وتحلیل:**

با استفاده از رویکرد توصیفی- تحلیلی، متون منتخب موردبررسی و تجزیه‌وتحلیل قرار گرفت تا اطلاعات مرتبط در مورد سازوکارهایی که شعر فارسی به‌وسیله آن‌ها معانی فرهنگی را منتقل می‌کند، استخراج شود. این تحلیل شامل شناسایی مفاهیم کلیدی شعر فارسی مرتبط با انتقال فرهنگی، ازجمله تأثیر زمینه‌های تاریخی، سیاسی و اجتماعی بر آثار شعری بود. تحلیل متنی نیز برای درک مؤلفه‌های نمادین، عاطفی و فکری شعر که یادگیری و انتقال فرهنگی را تسهیل می‌کند، به کار گرفته شد.

- **سنتز:**

یافته‌های منابع مختلف برای ترسیم راهکارهای بهینه برای استفاده از شعر فارسی در آموزش فرهنگی ترکیب شدند. این ترکیب در جهت شکل‌دهی توصیه‌های عملی برای مربیان، سیاست‌گذاران فرهنگی و مؤسسات در مورداستفاده از شعر برای ترویج ارزش‌های فرهنگی بود.

۳- تعریف فرهنگ

ازجمله والاترین عناصری که در موجودیت جوامع نقش اساسی دارد، فرهنگ می‌باشد. فرهنگ مؤلفه‌ای است که انسان را از سایر موجودات متمایز می‌کند؛ زیرا حاصل اندیشه و تعقل است. انسان بدون اندیشه نمی‌تواند در مرتبه انسانیت باقی بماند و تنزل پیدا می‌کند. فرهنگ درواقع روش زندگی، عنصر اساسی تحول جامعه و همچنین معیاری برای سنجش پیشرفت جامعه است.

فرهنگ از پیشوند فر و هنگ ترکیب‌شده است. این کلمه در اوستا از fra یا frā و θanga است که در تحول زبان، θ به "ه" تبدیل‌شده و شناسه پایانی حذف‌شده است. در مفهوم نیز بیانگر "فرهیختگی" و" ادب" و"دانش" می‌باشد.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

شماره۴۴،
دوره چهاردهم،
سال چهارم،
تابستان ۱۴۰۳،
صص ۱-۱۴

در ادبیات فارسی فرهنگ به معنای تعلیم و تربیت، دانش و ادب، بزرگی و عظمت، بزرگواری، فضیلت و پارسایی، حکمت و هنر اخلاقی و ... آمده است (تهامی، ۱۳۹۵).

فرهنگ درواقع جوهره و ذات یک ملت و به بیانی دقیق‌تر وجه تمایز ملت‌ها است. فرهنگ کلیه صفات و ویژگی‌های رفتاری، هنرها، نهادها و تمام فرآورده‌های دیگر کار انسانی و خصایص فکری جامعه یا گروه انسان‌ها است که ازنظر اجتماعی قابل‌انتقال است. درنتیجه، صفات و ویژگی‌های رفتاری ارثی و غریزی ارتباطی بافرهنگ ندارند (بابایی، ۱۳٦۱).

فرهنگ ویژگی‌هایی دارد؛ ازجمله این ویژگی‌ها عبارت‌اند از:

۱) **انسانی بودن فرهنگ؛** فرهنگ نتیجه اندیشه و فکر و عمل انسان است. انسان جدا از فرهنگ یعنی حیوان، به همین جهت انسان را حیوان فرهنگی می‌نامند.

۲) **اجتماعی بودن؛** انسان موجودی اجتماعی است. زندگی انسان در اجتماع معنا و مفهوم پیدا می‌کند و فرهنگ هم حاصل زندگی اجتماعی انسان است (تهامی، ۱۳۹۵).

٤- تعریف شعر

شعر "کلامی مخیلی، دارای ایقاعات متفق، تکرارشونده، مساوی و قافیه‌دار" می‌باشد. نبودن هر یک از این اجزاء در شعر ویژگی نظم را از دست می‌دهد و تأثیری را که باید داشته باشد، ندارد. درواقع تکرار وزن بر اساس اوزان عروضی و به‌طور مساوی است که موجب انفعال نفسانی می‌شود.

همچنین در توضیح اجزای تعریف شعر، خواجه نصیر کلمه موزون را مشترک لفظی میان دو معنای زیر می‌داند:

اول، قولی که حروف ملفوظ آن برحسب حرکات و سکنات دارای عددی ایقاعی باشند، مانند آنچه در اشعار کلاسیک فارسی مشاهده می‌شود. دوم، نوعی از صورت و هیئت سخن از جهت تساوی اقوال که برحسب ظاهر، شبیه وزن است؛ چنان‌که در خسروانی‌های قدیم بوده است. وزنی هم که در خطابه به کار می‌رود، نزدیک به همین معنا است. این معنای مجازی موزون است و امروزه اغلب از کلمه موزون، معنای اول منظور است.

چنان‌که در تحلیل تعاریف ابن‌سینا از شعر ملاحظه می‌شود، خیال‌انگیز و موزون بودن اجزای اصلی شعر هستند و ازآنجایی‌که محاکات عامل ایجاد تخیل و حسن تألیف منجر به پیدایش وزن در کلام می‌شود، می‌توان گفت عناصر اصلی شعر بازنمایی (محاکات) و حسن تألیف است (سلیمانی دره‌باغی، ۱۳۹٤).

٥- کارکرد شعر

ارسطو ازجمله فلاسفه‌ای است که نظرات وی در مورد کارکرد شعر موردتوجه واقع‌شده است. او در کتاب "بوطیقا" کارکردهای گوناگونی را برای شعر تبین می‌کند که کارکردهای شناختی، مهارتی و ارتباطی ازجمله آن‌ها هستند (مک لیش، ۱۳۸٦). شعر را یک فعالیت انسانی تولیدی می‌داند که محصول آن کارکرد خاص خود را دارد. او همچنین شعرا همچون تاریخ نمی‌داند و معتقد است که شعر فراتر از تاریخ، به پیش‌بینی اتفاقاتی که ممکن است روی دهند، می‌پردازد. این موقعیت‌شناسی و تمرکز بر امکان احتمالی، دلالتی بر کارکرد است. درواقع نگاه کارکردی شعر به دنبال تبیین رابطه میان خواننده و متن شعر است و پیشنهادهایی برای تعمیق و نهادینه شدن این کارکردها به مراجع سیاستی، برنامه‌ای و آموزشی ارائه می‌دهد (Sifakis, 2001).

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

شماره۴۴،
دوره چهاردهم،
سال چهارم،
تابستان ۱۴۰۳،
صص ۱-۱۴

شعر همچون حادثه‌ای است که به آن تجربه زیسته گفته می‌شود. به این صورت که در یک موقعیت خاص زمانی-مکانی اتفاق افتاده و در اثر ثبت می‌شود. وقتی‌که این اثر در اختیار خواننده قرار می‌گیرد، او آن را بسته به نیاز خود درک می‌کند و به‌تدریج آماده‌ی تغییرهای عملکردی و معرفتی می‌شود. پس درواقع شعر با ایجاد رابطه‌ای در زمینه فرهنگی و اجتماعی، می‌تواند از خواننده یک کنشگر اجتماعی بسازد (شاکری، ۱۳۹۵).

در دنیای امروزی، گفت‌وگو به‌عنوان یکی از ویژگی‌های اصلی زندگی، رویکردی است که افراد را قادر می‌سازد باورها و ارزش‌های خود را آشکار کنند و درباره ایده‌ها و اعتقاداتشان صحبت کنند. این گفت‌وگوها، موجب نزدیک‌تر شدن انسان‌ها به یکدیگر، تقویت همدردی، مهربانی و دوستی می‌شود. در شعر فارسی به‌خصوص شعر نو یکی از ابعاد گفت‌وگویی مواجهه انسان معاصر با گذشته تاریخی و فرهنگی خویش است (شاکری، ۱۳۹٤). این امر به‌ویژه در نسبت با مقوله‌ی هویت ایرانی برجستگی پیدا می‌کند. آنچه ما را ساخته و ما امروز از آن تعریف و تصوری داریم، هویت ماست. برای آن‌که بتوانیم با شعر پیوندی درست و متضمن کارکردهای ارتباطی، مهارتی، شناختی و حتی عاطفی برقرار کنیم، باید بیشتر به هویت خویش بپردازیم. هویت امروز ما با ایران همچون گذشته‌ای فرهنگی، سیاسی و اجتماعی و با اسلام و همچنین غرب پیوند خورده است. این سه مؤلفه در شرایط کنونی؛ یعنی جهانی‌شدن و شبکه‌های مجازی خود را نشان می‌دهد (حاجیانی، ۱۳۰۵).

یکی دیگر از کارکردهای مهم شعر فارسی، نقش آن در شکل‌گیری و تثبیت هویت کودکان است. داشتن تعریفی از خود، نخستین گام در مقدمات انسان بودن است. از همان ابتدای ظهور انسان سؤالات بسیاری در رابطه با کیستی و چیستی خود و به‌عبارت‌دیگر هویت خود داشته است. اجماع نظر درباره مقوله هویت در میان افراد یک ملت باعث افزایش حس اعتمادبه‌نفس در میان افراد شده و درنتیجه آن افراد آن جامعه جهت و اهداف مشخصی خواهند داشت. به همین دلیل است که برخی صاحب‌نظران تلاش برای کسب هویت مستقل را جزو مهم‌ترین ضروریات انسانی و اجتماعی می‌دانند (نورانی، ۱۳۹۷).

یکی از حوزه‌هایی که مفهوم هویت، به شکل جدی می‌تواند در آن در نظر گرفته شود، ادبیات است. ادبیات هر کشور در بردارنده میراث فرهنگی آن کشور است و گونه‌ای پیوند بین فرهنگ گذشته و حال را می‌تواند ایجاد کند. به بیانی، ادبیات، شناسنامه هویت هر ملت است که در سیر تاریخی به نگارش درآمده، ازاین‌رو دربردارنده عنصرهای هویتی بسیاری است و می‌تواند در شکل دادن به هویت فعلی جامعه، اثرگذار باشد. ادبیات همواره با پرسش‌های مربوط به هویت سروکار داشته است و اثرهای ادبی، گونه‌های الگوهای شکل‌گیری هویت به شکل پوشیده، ارائه‌شده‌اند. ادبیات، جز این‌که هویت را درون‌مایه خودساخته، سهم مهمی در ساختن هویت خوانندگان خود داشته است (نورانی، ۱۳۹۷). یکی از عرصه‌های ادبیات، داستان‌ها و شعرهای کودک است. با توجه به اثرپذیری کودکان از داستان و از طرفی نیروی پذیرندگی بالای آن‌ها در دوره کودکی، این داستان‌ها می‌تواند در شکل‌گیری هویت کودکان مؤثر باشد. قصه‌ها با توجه به قدرت خارق‌العاده‌ای که در انتقال مفاهیم و اهداف موردتوجه فرد راوی دارند، همیشه بهترین روش برای انتقال آموزه‌های تربیتی و اخلاقی قرارگرفته‌اند. شعر پر از حرکت، موسیقی و تصاویری است که تخیل کودک را تحریک کرده و حس لذت‌جویی را در او ارضا می‌کند. شعر کودک باید از شرط مهم تخیل برخوردار باشد (نورانی، ۱۳۹۷). ادبیات کودک با رویکردی آگاهانه می‌تواند نگاهی هنرمندانه و ادبی به آفرینش آثار داشته باشد و با در نظر گرفتن همه شرایط سنی و روان‌شناختی، نیازهای مخاطبانش را در نظر گرفته، برآورده ساخته و به‌مرور، باورهای اجتماعی،

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

شماره۴۴،
دوره چهاردهم،
سال چهارم،
تابستان ۱۴۰۳،
صص ۱-۱۴

فرهنگی و دینی و ملی را به آنان بازخورد دهد و آنان را برای یک زندگی موفق اجتماعی آماده سازد؛ زیرا کودکان و نوجوانان نیاز دارند مفاهیم اجتماعی و علمی موردنظر روزانه خویش را فراگیرند و دیدگاه خود را در این زمینه اصلاح‌کرده و کامل نمایند. علاوه بر این، به ارزش‌های اجتماعی، دینی و ملی جامعه خود پی ببرند و حقوق و وظایف خویش را دقیقاً بشناسند و رعایت کنند تا به این وسیله بینش‌ها و گرایش‌های علمی، فرهنگی، اجتماعی، دینی، ملی و اخلاقی خود را رشد و گسترش دهند (نورانی، ۱۳۹۷).

٦- فرهنگ‌پذیری

ارزش‌ها، هنجارها، باورها و به‌طورکلی اعتقادات فرهنگی اجتماعی جامعه، بنیاد معینی است که در اثر غفلت ممکن است از میان برود. بنابراین انتقال آن به اعضای جدید جامعه و حفظ آن از اهمیت زیادی برخوردار است که این امر در فرآیندی به نام "فرهنگ پذیری" صورت می‌گیرد. فرهنگ پذیری نخستین مرحله پذیرش فرهنگ است که تحت تأثیر یک فرهنگ در جامعه شکل می‌گیرد و تثبیت می‌شود. این پدیده نوعی دگرگونی آرام و تدریجی است که باارزش‌ها و باورهای اجتماعی سروکار دارد و درواقع تطابق و همنوایی عمیق فرد با هنجارها و موازین فرهنگی جامعه است (صالحی امیری، ۱۳۹۵).

برای این‌که فرآیند فرهنگ پذیری رخ دهد و رفتاری خاص به بخشی از فرهنگ یک جامعه تبدیل شود، ابتدا باید توسط جامعه به‌عنوان یک هنجار پذیرفته‌شده و به ارزش تبدیل شود. وقتی این رفتار به‌مرورزمان پایدار شد و به نسل‌های دیگر هم انتقال یافت، به بخشی از فرهنگ تبدیل می‌شود. بنابراین، فرهنگ از اولین ارتباطات فرد با دیگران شکل می‌گیرد و در فرآیندی به نام فرهنگ پذیری، ارزش‌ها و هنجارها و عناصر فرهنگی را از جامعه کسب می‌کند و می‌آموزد (رفیع پور، ۱۳۹۹). ابعاد فرهنگ پذیری را می‌توان شامل انتقال ارزش‌ها، انتقال هنجارها، انتقال عقاید و باورها و درونی نمودن ارزش‌های یک فرهنگ دانست (شریعتمداری طهرانی، ۱۳۹۷).

فرهنگ پذیری، القای ارزش‌ها و هنجارهای جامعه به فرد و فراگیری شیوه‌های زندگی جامعه است. درواقع فرد شخصیتی کسب می‌کند و آمادگی رفتار را به‌عنوان عضوی از یک جامعه پیدا می‌کند. او یاد می‌گیرد خودش را با سیستم جدید انطباق داده و رفتاری مطابق انتظارهای جامعه انجام دهد. انسان در فرآیند فرهنگ پذیری است به‌تدریج به کسب تجربه‌های مختلف می‌پردازد (ستوده، ١٤٠٠).

فرهنگ پذیری همچنین تعاملات بین فرهنگی است که شامل فرآیند تغییر دوگانه روانی و فرهنگی است. تغییرات فرهنگی شامل دگرگونی در رسوم و زندگی سیاسی و اقتصادی یک گروه است. تغییرات روانی شامل دگرگونی در نگرش‌های یک فرد به فرآیند فرهنگ پذیری، هویت‌های فرهنگی و رفتار اجتماعی او در رابطه با تعاملات با گروه است. سازگاری نهایی نیز شامل هسته روانی (سلامت یک فرد) و مهارت‌های اجتماعی است که در کارکرد روزانه در موقعیت‌های پیچیده ضروری است. نمایندگان جامعه که در دوران رشد اجتماعی، شیوه‌های زندگی و در کل فرهنگ را انتقال می‌دهند، عوامل فرهنگ پذیری نامیده می‌شوند که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به خانواده، مدرسه و نظام آموزش‌وپرورش، معاشران و گروه همسالان، رسانه، حاکمان، مدیران و نخبگان جامعه اشاره نمود (ساروخانی و صداقتی فرد، ۱۳۸۸).

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

شماره۴۴،
دوره چهاردهم،
سال چهارم،
تابستان ۱۴۰۳،
صص ۱-۱۴

حال ازآنجاکه پذیرش ارزش‌ها و هنجارهای حاکم بر جامعه ذاتی و انتسابی نیست و فرهنگ، اکتسابی و قابل‌انتقال است، دستگاه تربیتی جامعه وظیفه آشنا کردن نسل جدید بافرهنگ جامعه را بر عهده دارد. به‌طورکلی «انتقال فرهنگی» فرآیندی تعریف می‌شود که به‌واسطه آن فرهنگ جامعه از طریق آموزش از نسلی به نسل بعد انتقال می‌یابد و به‌واسطه آن، افراد فرهنگ پذیر می‌شوند (صداقتی فرد، ۱۳۹۵). بنابراین هدف کلی آموزش‌وپرورش در هر جامعه‌ای این است که هر فرد را طبق الگوی اعتقادات و ارزش‌های فرهنگی خود تربیت کند و انسانی شایسته آن جامعه تحویل دهد. اساساً یکی از کارکردهای آشکار آموزش‌وپرورش، انتقال فرهنگ (فرهنگ پذیری) و پرورش اجتماعی (جامعه‌پذیری) است و نظام‌های آموزشی غالباً با توجه به کارکردهای آشکار آن هدف‌گذاری و طراحی می‌شوند (علاقه‌مند، ۱۳۹۵). اما امروزه در جامعه شاهد هستیم که فرهنگ ایرانی-اسلامی ما در طول سال‌های گذشته در جهت فرهنگ پذیری نسل جوان دچار آسیب‌های جدی شده است. ازجمله این آسیب‌ها می‌توان به شکاف و تمایز نسل‌ها و همچنین بحران هویت اشاره کرد. اگر در فرآیند فرهنگ پذیری کودکان و جوانان، فرهنگ یک جامعه تاحد مطلوبی به نسل بعد منتقل شود و بازتولید فرهنگی انجام پذیرد، میزان اشتراک فرهنگی بین دو نسل بسیار بالا می‌رود. در مقابل، اگر این فرآیند به علل مختلف دچار مشکل شود و به‌طور ناقص انجام گیرد، تداوم فرهنگی و ارزشی دچار مشکل شده و شکاف نسلی به وجود خواهد آمد (عیوضی، ۱۳۹٤).

۷- نظم آهنگ قرآن

بی‌تردید یکی از بزرگ‌ترین سرمایه‌های پرارزش و جاودانی ما ایرانیان، ادبیات سرشار و پر باری است که از روزگاران دیرین در کنار لطافت و زیبایی محسورکننده واژگان، از عمق و اصالت حکیمانه و عارفانه و دقایق هوشمندانه سرشار است و انصاف می‌توان داد که اگر در پی آن باشیم که داد سخن از پادشاه زبان بستانیم، لاجرم باید به حریم با حرمت شاعران و نویسندگان پارسی قدم نهیم و در شبستان نظم و نثر آنان، جام اشارت واستانیم و با شور و شوق حاصل از آن چون حافظ فلک را سقف بشکافیم و طرحی نو دراندازیم.

پی‌جویی در اصالت و فخامت چنین ادبیاتی ما را به قرآن می‌رساند، قرآنی که کتاب دین و قانون زندگی است و «نویسندگان و سرایندگان مسلمان ایرانی به صورت‌های گوناگون از آیات مبارک قرآن بهره برده و در هر یک از فنون بلاغت و مباحث معانی، بیان و بدیع به شاهدی از قرآن تمسک جسته‌اند» (مهدوی، ۱۳۷٤: ۲۷).

یکی از دلایلی که می‌تواند پشتوانه این باور باشد که «قرآن در همه اعصار پاسخگوی نیازهای بشری است و می‌تواند جایگاه مؤثر خود را در جامعه انسانی حفظ نماید»، تفسیرپذیری بی‌نهایت آن است (خامه‌گر، ۱۳۸۱). بررسی ادبی قرآن بر این مسئله متمرکز است که قرآن چه قالب و صورتی یا چه زبان و سبک و ساختاری را برای انتقال پیام یا محتوای آن و به‌عبارت‌دیگر برای انتقال جهان‌بینی، ارزش‌ها و قوانین آن به کار می‌گیرد. در این نوع پژوهش، به‌عنوان جایگزین محتوای کلام قرآن، بر سبک و چگونگی بیان مطالب تأکید می‌شود. وجه ادبی قرآن از دیرباز به شکل‌های گوناگون بررسی‌شده است؛ اما به‌طورکلی، بستر و زمینه این نوع مطالعات بیش از آن‌که ادبی باشد، صبغه کلامی، اعتقادی یا تعلیمی داشته است (جرجانی، ۱۹۸٤).

ازآنجاکه صحیح‌ترین منابع فهم متون دینی قرآن، روایات و عقل سلیم است، روش‌های تفسیری نیز شامل سه روش اصلی تفسیر قرآن به قرآن، تفسیر قرآن به روایات و تفسیر عقلی است و تفسیر اجتهادی نیز ترکیبی از این سه روش

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

شماره۴۴،
دوره چهاردهم،
سال چهارم،
تابستان ۱۴۰۳،
صص ۱-۱۴

اصلی است. روش تفسیر اجتهادی با آن‌که به‌طور عمده بر ابزار عقل تکیه دارد؛ ولی ازآن‌رو که استفاده از ابزارهای دیگر ازجمله قرآن و روایات را نیز مدنظر دارد، تفسیری جامع‌تر از همه اقسام پیشین است (مؤدب، ۱۳۸۰). نقطه مشترک روش‌های اجتهادی، تلاش و کوشش علمی است که مفسر در تفسیر ظاهر آیات قرآن انجام می‌دهد. در مقابل روش روایی محض که تنها روایات را ذیل آیات جمع کرده است و نیز در مقابل روش باطنی محض که هیچ اجتهادی در فهم مراد ظاهر قرآن به کار نرفته و تنها به بیان معانی پرداخته می‌شود؛ گرچه در بیان باطن قرآن اجتهادی هم داشته باشد.

قرآن مجید کتاب دینی ما است و معانی و مفاهیم آن در طول چهارده قرن از جهات مختلف در حیات فردی و اجتماعی ما تأثیر پنهان و آشکار نهاده است. چنان‌که امروزه نمی‌توان جنبه‌ای از جنبه‌های گوناگون زندگی مسلمانان را یادکرد که قرآن مجید و معانی والای آن به نحوی مستقیم یا غیرمستقیم در آن تأثیری نگذاشته باشد و هر کس دراین‌باره تأملی به سزا کرده باشد و عناد نورزد، به صحت این اعتقاد اقرار می‌کنند. حدیث نیز که همان «قول و فعل و تقریر» پیامبر اکرم است، همین حکم را دارد و الفاظ و معانی آن به صورت‌های گوناگون در زندگی مسلمانان و در رفتار، گفتار و کردار آنان تأثیر نیرومند و دراز آهنگی داشته است.

یکی از بارزترین موارد این تأثیر، سروده‌های شاعران و نوشته‌های نویسندگان است. هر ملتی به سرمایه‌هایی اعم از مادّی و معنوی، می‌تازد. یکی از سرمایه‌های جاودانی و افتخارآمیز ما ایرانیان نیز سروده‌های شاعران و سخنوران و نوشته‌های دبیران و نویسندگان و تأملات عارفان و اندیشه‌های حکیمان و فیلسوفان و متکلّمان ایرانی مسلمان است و همه می‌دانند که بسیاری از ابیات و عبارات این بزرگان را "اشاره"، "تلمیح"، "اقتباس"، "تضمین"، "تحلیل آیات"، "قصص" و "تمثیل"های گوناگون این کتاب مبین و سخنان پیامبر بزرگوار خدا تشکیل می‌دهد و همه آن بزرگان در عبارت‌پردازی، استدلال و بیان آنچه در ضمیر خود از این موارد بهره‌مند شده‌اند. لذا اگر کسی ادعا کند که مثلاً می‌تواند اشعار رودکی، فردوسی بزرگ، ناصرخسرو، خاقانی، سنایی، عطار، مولوی، سعدی، حافظ، جامی و صدها تن شاعر دیگر و نیز آثار مردانی چون غزالی، عنصرالمعالی‌زیاری، نصرالله منشی و بسیاری دیگر را بدون فهم قرآن مجید و تفسیر آن و تأمّل در احادیث نبوی به‌درستی دریابد، باید در صحّت ادعای او تردید کرد؛ زیرابه قول حافظ: «هر چه دارم همه از دولت قرآن است»؛ به دلیل انواع تأثیراتی که این دو منبع گران‌مایه عظیم در ادب فارسی بر جای گذاشته‌اند.

یکی از مهم‌ترین جنبه‌های اعجاز قرآن که اخیراً بیشتر موردتوجه دانشمندان قرارگرفته، نظم آهنگ واژگانی آن است. این جنبه چنان زیبا و شکوهمند است که عرب را ناچار ساخت از همان روز نخست اقرار کند که کلام قرآن از توانایی بشر خارج است و تنها می‌تواند سخن خداوند باشد. نظم آهنگ واژگان قرآن، نغمه‌ای دلکش و نوایی دلپذیر پدید می‌آورد؛ نوایی که احساسات آدمی را بر می‌انگیزد و دل‌ها را شیفته خود می‌نماید. نوای زیبای قرآن برای هر شنونده‌ای هرچند غیر عرب محسوس است؛ چه رسد به این‌که شنونده عرب باشد. هرگاه کسی برای چند بار به یک شعر گوش می‌سپارد، لحن و آهنگ آن برای او تکراری و ملال‌آور می‌شود؛ اما به هنگام نیوشیدن آوای گونه‌گون و هم دم تجدیدشونده قرآن که اسباب و اوتاد و فواصل آن پی در پی جای خود را عوض می‌کنند و هرکدام گوشه‌ای از قلب را به نوازش وا می‌دارند، نه‌تنها خسته و آزرده نمی‌شود؛ بلکه عطش او برای شنیدن همواره فزونی می‌گیرد (معرفت، ۱۳۷۸). سید قطب درباره نظم آهنگ قرآن می‌گوید:

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

شماره۴۴،
دوره چهاردهم،
سال چهارم،
تابستان ۱۴۰۳،
صص ۱-۱۴

«چنین نوایی درنتیجه نظام‌مندی ویژه و هماهنگی حروف در یک کلمه و نیز ازاین‌جهت قرآن، هم ویژگی نثر و هم خصوصیات شعر را تواماً دارد؛ با این برتری که معانی و بیان در قرآن آن را از قیدوبندهای قافیه و افاعیل بی‌نیاز ساخته و آزادی کامل بیان را میسر ساخته است. در همین حال از خصوصیات شعر، موسیقی درونی آن را گرفته و فاصله‌هایی که نوعی وزن را پدید می‌آورند. این خصوصیات قرآن را از افاعیل و قوافی بی‌نیاز ساخته و درعین‌حال شئون نظم و نثر هر دو را دارا است» (سید قطب، ۱٤۱۵).

در هنگام تلاوت قرآن، آهنگ درونی آن کاملاً حس می‌شود. این آهنگ در سوره‌های کوتاه بافاصله‌های نزدیک آن و به‌طورکلی در تصویرها و ترسیم‌ها بیشتر نمایان است و در سوره‌های بلند کمتر اما همواره نظام آهنگ آن ملحوظ است.

۸- چالش‌های انتقال مفاهیم

یادگرفتن و یادگیری ازجمله کلیدهای ارتقای کیفیت منابع انسانی است. این کلید وقتی به کار می‌آید که آموزش، مجموعه‌ای از فرآیندها تلقی شود. فرآیندهایی که نه‌تنها مهارت‌های حرفه‌ای را شکل می‌دهند، بلکه فرد را قادر می سازند تا استعدادهای بالقوه خویش را برای مشارکت هوشمندانه و پذیرش مسؤولیت و احترام به بشریت شکوفا کند. نظام آموزشی دستخوش سه معضل مهم ۱)فراوانی اطلاعات، ۲) واپس‌گرایی و ۳)عدم تناسب است که باید به دنبال راه‌هایی برای غلبه بر آن‌ها بود. در طی این سال‌ها رسانه‌های گروهی و ارتباطات جمعی نیز به مسائل آموزش‌وپرورش پرداخته‌اند و به‌تدریج در خدمت رشد اقتصادی و اجتماعی درآمده‌اند؛ درواقع نوعی آموزش مستقل از مدرسه شکل‌گرفته است. بااین‌همه، تحولات و تغییرات در هر یک از زمینه‌های یادشده خالی از اشکال نبوده است. تحولات به‌قدری سریع بودند که اشکالات و گرفتاری‌های حساب‌نشده به وجود آوردند. گرفتاری‌هایی که هر یک از آن‌ها نیازمند اقدام‌های همه‌جانبه دیگری شد (صبوری، ۱۳۸۹).

۹- شعر به‌مثابه راهبردی بهینه برای انتقال فرهنگی

لذت حاصل از محاکات (تقلید نمودن، کاربرد تقلید و بازنمایی) در انسان‌ها از دوران کودکی وجود دارد و ازاین‌جهت انسان‌ها از حیوانات، پیشروتر هستند. در محاکاتی که نزد انسان‌ها مشاهده می‌شود، فایده‌هایی وجود دارد. این فایده در ایماواشاره‌ای که حاکی از معانی نهفته است، می‌باشد. بر همین اساس می‌تواند جانشین تعلیم قرار گیرد و حتی در مواردی مقدم بر تعلیم است. به‌طوری‌که اگر اشاره حاصل از محاکات همراه با کلام باشد، باعث آشکارتر شدن معنا می‌شود. همه این‌ها به این جهت است که نفس از طریق محاکات و تقلید کردن دارای انبساط خاطر و لذت می‌شود، به همین جهت در نفس مخاطب حالت خوشایند و مطلوبی پدید می‌آید. دلیل فرح و شادی انسان‌ها از محاکات به جهت تأمل و دقت در صور منقوش از حیوانات کریه و وحشتناک است؛ اگر انسان‌ها، خود این حیوانات را مشاهده کنند، دچار انزجار و کراهت می‌شوند و تصاویر اصلی این حیوانات مفرح و شادی‌بخش نیست؛ بلکه تقلید و ادای این صورت‌ها وقتی درست شکل گیرد، لذت‌بخش خواهد بود. به همین جهت خود تعلیم برای مردم لذت‌بخش نیست؛ بلکه تقلیدی که در تعلیم است، خوشایند است. چون تعلیم، به تصویر کشیدن امری در ذات و کنه نفس است. ابن‌سینا حکمت عملی را به سه‌شاخه تقسیم می‌کند: حکمت مدنی، حکمت منزل و حکمت خلقی؛ او ریشه و مبدأ هر یک از این انواع حکمت عملی را در شریعت الهی دنبال می‌کند و کمالات و حدود آن‌ها نیز توسط شریعت تعیین

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

شماره۴۴،
دوره چهاردهم،
سال چهارم،
تابستان ۱۴۰۳،
صص ۱-۱۴

می‌گردد. آنگاه قوه نظری انسان از طریق شناخت قوانین و به کاربستن آن‌ها در جزئیات، به تصرف در آن‌ها می‌پردازد. ابن‌سینا معتقد است تفصیل و تکمیل این حکمت‌ها به‌واسطه قوه عقل و با تمسک به برهان و حجت ممکن شده است؛ ولی ترغیب و تشویق انسان‌ها به عمل کردن به این حکمت‌ها و پرورش دادن نفس و کسب کمال از طریق خطابه یا شعر ممکن خواهد بود. به‌هرحال مردم هر جامعه‌ای باید با شیوه‌ها و مثال‌هایی که برای آن‌ها جذاب‌تر و مأنوس‌تر است، به معرفی و ترویج حقایق و معارف بپردازند. البته ایده آل آن است که همه انسان‌ها در پی حکمت و دریافت حقایق از طریق استدلال و برهان باشند؛ ولی چون عامه مردم بر اساس استعداد ذهنی‌شان یا عاداتشان تمایلی به تعالیم برهانی، حکمی و تعقلی ندارند، به نظر می‌رسد طریق خطابه و شعر راه‌های مناسبی برای انتقال معارف و مواریث فرهنگی در هر جامعه‌ای باشد (سلیمانی دره‌باغی، ۱۳۹٤).

بر اساس اهداف بیان‌شده و برای پاسخ به ضعف‌ها و تهدیدات موجود و به‌منظور رسیدن به وضع مطلوب مطابق جدول شماره ۱ راهبردهایی برای استفاده از شعر فارسی برای انتقال مفاهیم فرهنگی می‌توان تبیین نمود.

جدول ۱: راهبردهای بهینه پیشنهادی و حوزه‌های تأثیرگذار **فرهنگی-اجتماعی**

	راهبردها	سازمان‌های فرهنگی و هنری	سازمان آموزش‌وپرورش	خانواده‌ها
۱	رصد و پایش مفاهیم فرهنگی که از طریق رسانه‌های اجتماعی و اینترنت روزانه در اختیار مردم قرار می‌گیرد	*		
۲	واکاوی عمیق منابع فرهنگی موجود	*		
۳	تقویت پایبندی به اصول و مؤلفه‌های پایدارساز فرهنگی با تکیه بر غنای فرهنگی ادبیات ایران‌زمین	*	*	*
٤	ایجاد بسترهای مناسب برای بازتولید محتواهای آموزشی و فرهنگی در قالب شعر به‌طوری‌که مناسب برای نسل‌های جدید باشد.	*	*	
٥	برگزاری جشنواره‌ها و محافل ادبی برای ایجاد علاقه‌مندی عموم به خواندن شعر	*		
٦	آموزش باید از سنین پایه شروع‌شده و همگام با رشد تکنولوژی باشد. درنتیجه باید محتواهای آموزشی متکی بر شعر به‌صورت نرم‌افزار و از طریق اینترنت در اختیار عموم قرار گیرد.	*	*	*
۷	در راستای فرهنگ‌سازی از سنین پایه و انتقال مفاهیم فرهنگی به‌طوری‌که موردتوجه کودکان باشد،	*		

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

شماره۴۴،
دوره چهاردهم،
سال چهارم،
تابستان ۱۴۰۳،
صص ۱-۱۴

می‌توان انیمیشن‌های آموزنده بر اساس اشعار و مفاهیم آن‌ها طراحی کرد.

۱۰-نتیجه‌گیری

شعر فارسی به‌عنوان یکی از قدرتمندترین ابزارهای فرهنگی، نقش کلیدی در انتقال مفاهیم و ارزش‌های فرهنگی از نسلی به نسل دیگر ایفا کرده است. این پژوهش نشان داد که شعر نه‌تنها در بیان احساسات و اندیشه‌ها، بلکه در شکل‌دهی به هویت فرهنگی و اجتماعی افراد نیز تأثیرگذار است. شعر فارسی، با بهره‌گیری از قدرت تخیل، موسیقی و زیبایی‌شناختی، توانسته است پلی میان فرهنگ گذشته و حال جامعه ایرانی ایجاد کند و مفاهیم پیچیده و عمیق فرهنگی را به شیوه‌ای هنری و تأثیرگذار منتقل نماید.

از مهم‌ترین کارکردهای شعر در انتقال فرهنگی، تقویت همبستگی اجتماعی و ایجاد وحدت میان افراد جامعه است. شعر به‌عنوان ابزاری هنری، توانسته است در طول تاریخ نه‌تنها ارتباطات زبانی، بلکه تعاملات اجتماعی و فرهنگی را میان افراد و گروه‌های مختلف تقویت نماید. با توجه به بحران‌های هویتی که در دوران معاصر به دلیل جهانی‌شدن و گسترش تکنولوژی‌های جدید پدید آمده است، شعر می‌تواند به‌عنوان ابزاری مؤثر در مقابله با این چالش‌ها و حفظ هویت فرهنگی ایرانیان مورداستفاده قرار گیرد.

این مطالعه همچنین نشان داد که شعر فارسی توانایی بالایی در بازآفرینی و بازتولید مفاهیم فرهنگی دارد. از طریق تحلیل مضامین و محتوای اشعار فارسی، می‌توان به راهبردهایی برای استفاده بهینه از این ظرفیت فرهنگی در انتقال مفاهیم و ارزش‌های اجتماعی، آموزشی و تربیتی دست یافت. پیشنهاد می‌شود که در آموزش‌وپرورش، از شعر به‌عنوان وسیله‌ای برای انتقال فرهنگ بومی و تقویت ارزش‌های اجتماعی استفاده شود، به‌ویژه در دوران کودکی که تأثیرپذیری افراد بیشتر است. طراحی محتواهای آموزشی بر اساس اشعار فارسی و استفاده از آن‌ها در قالب‌های جدید و خلاقانه نظیر انیمیشن و نرم‌افزارهای آموزشی، می‌تواند در تقویت فرهنگ‌پذیری و ایجاد پیوندهای فرهنگی نسل‌های جدید بسیار مؤثر باشد.

علاوه بر این، با توجه به یافته‌های پژوهش، جشنواره‌ها و محافل ادبی می‌توانند بستری مناسب برای ترویج اشعار فارسی و تقویت پیوند فرهنگی میان نسل‌های مختلف فراهم کنند. چنین محافلی می‌توانند علاقه عمومی به شعر و ادبیات را زنده نگه‌داشته و در تقویت هویت فرهنگی نقش بسزایی ایفا کنند.

درنهایت، این پژوهش به راهبردهایی اشاره دارد که می‌توانند با استفاده از شعر فارسی به‌عنوان ابزاری برای انتقال مفاهیم فرهنگی، به بهبود فرآیند فرهنگ‌پذیری در جامعه کمک کنند. ازاین‌رو، می‌توان نتیجه گرفت که شعر فارسی با تکیه بر قدرت بی‌نظیر خود در بیان مفاهیم پیچیده و انتزاعی، یکی از مؤثرترین ابزارهای فرهنگی است که می‌تواند در حفظ و ارتقاء فرهنگ و هویت ملی ایران نقشی حیاتی داشته باشد.

منابع

بابایی، ع. (۱۳۶۱). نقش دانشگاه در مهندسی فرهنگی کشور. **فصلنامه دانشگاه اسلامی**، ۱۲(۱)، تابستان.

تهامی، م. (۱۳۹۵). نقش تاریخ در انتقال فرهنگی. در **سومین کنگره بین‌المللی فرهنگ و اندیشه دینی**.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

شماره۴۴،
دوره چهاردهم،
سال چهارم،
تابستان ۱۴۰۳،
صص ۱-۱۴

جرجانی. (۱۹۸٤). دلائل. تحقیق م.م. شاکر. قاهره.

حاجیانی، ا. (۱۳۰۵). سنجش و اندازه‌گیری هویت مدرن در جامعه ایران. **گزارش طرح پژوهشی در پژوهشگاه علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی**.

حسن‌زاده، م.ع.ع.، خاتمی، ا.، و نصیری سلوش، س. ز. (۱۳۹٤). تأثیر طبقه اجتماعی بر شعر شاعران دوره مشروطه با تمرکز بر اشعار «ایرج میرزا» و «فرخی یزدی». **پژوهش زبان و ادبیات فارسی**.

خامه‌گر، م. (۱۳۸۱). درآمدی بر تفسیر ساختاری قرآن. بازیابی از https://civilica.com/doc/683389

رفیع پور، ف. (۱۳۹۹). **آناتومی جامعه**. تهران: انتشارات شرکت سهامی انتشار.

ساروخانی، ب.، & صداقتی فرد، م. (۱۳۸۸). شکاف نسلی در خانواده ایرانی: دیدگاه‌ها و بینش‌ها. **پژوهش‌های جامعه‌شناختی**، ٤، ۷-۳۲.

ستوده، ه. (۱٤۰۰). **آسیب‌شناسی اجتماعی**. تهران: انتشارات آوای نور.

سلیمانی دره‌باغی، ف. (۱۳۹٤). شعر از نگاه ابن‌سینا و نقش آن در فرهنگ‌سازی. **حکمت سینوی (مشکوه النور)**، ۱۹(٥٤)، ٦۱-۷۸. بازیابی از https://sid.ir/paper/509381/fa

سید قطب. (۱٤۱٥). **التصویر الفنی فی القرآن**. بیروت: دارالشروق.

شاکری، س. ر. (۱۳۹٤). تحلیل تجربه زیسته در شعر نو فارسی (قیصر- نیما). **گزارش نهایی طرح پژوهشی در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی**.

شاکری، س. ر. (۱۳۹٥). کارکردهای فرهنگی و آموزشی شعر نو فارسی در میان دانشجویان.

شریعتمداری طهرانی، ع. (۱۳۹۷). **اشتغالات معلم و مسئله فرهنگ‌پذیری متعلم**. تهران: نشر سخنوران.

صالحی امیری، ر. (۱۳۹٥). **مفاهیم و نظریه‌های فرهنگی**. تهران: انتشارات ققنوس.

صبوری خسروشاهی، ح. (۱۳۸۹). آموزش‌وپرورش در عصر جهانی‌شدن؛ چالش‌ها و راهبردهای مواجهه با آن. **مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی**.

صداقتی فرد، م. (۱۳۹٥). **جامعه‌شناسی**. تهران: نشر ارسباران.

علاقه‌مند، ع. (۱۳۹٥). **مبانی نظری و اصول مدیریت آموزشی**. تهران: نشر روان.

عیوضی، غ. (۱۳۹٤). بررسی جامعه‌شناختی شکاف نسلی در ایران پس از انقلاب اسلامی با تأکید بر عناصر فرهنگی هویت ایرانی. **مطالعات اجتماعی**.

مرآتی، ا. (۱۳۸۹). بررسی جایگاه هویت ملی و دینی در شعر کودک و نوجوان. **پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور قزوین**.

معرفت، م. ه. (۱۳۷۸). **علوم قرآنی**. قم: موسسه فرهنگی تمهید قم.

مک‌لیش، ک. (۱۳۸٦). **ارسطو و فن شعر** (ترجمه ا. معصوم بیگی). تهران: آگه.

مؤدب، س. ر. (۱۳۸۰). **روش‌های تفسیر قرآن**. قم: اشراق.

نورانی، م. (۱۳۹۷). بررسی نقش ادبیات (داستان و شعر) در تثبیت هویت کودکان ایرانی. بازیابی از https://sid.ir/paper/898761/fa

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

شماره۴۴،
دوره چهاردهم،
سال چهارم،
تابستان ۱۴۰۳،
صص ۱-۱۴

Sifakis, G. M. (2001). **Aristotle on the function of tragic poetry**. Herakleion: Crete University Press.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

فصلنامه تحقیقات جدید در علوم انسانی(دوره جدید)

شماره۴۴،
دوره چهاردهم،
سال چهارم،
تابستان ۱۴۰۳،
صص ۱-۱۴

The Optimal Strategy for Utilizing the Capacity of Persian Poetry in Conveying Cultural Concepts

Naser Parvani[3], Maryam Rouhani[4]

Abstract

Persian poetry has long been one of the most powerful tools for expressing cultural values and transmitting them across generations. As an integral part of Iranian identity, poetry bridges emotions, intellect, behavior, and judgment, creating harmony and coherence that shape the collective mindset and social conduct. Persian poetry, deeply intertwined with the nation's historical and cultural fabric, has played a critical role in cultural transmission, education, and social transformation. This study is a descriptive-analytical narrative review aimed at exploring the functions of Persian poetry in transferring cultural concepts and developing optimal strategies for enhancing this process. The research is based on an extensive examination of Persian poetry's content, its historical influence, and its potential to contribute to social cohesion and identity formation. By analyzing key works of Persian poetry and their cultural impact, the study identifies strategies that educators, policymakers, and cultural institutions can employ to leverage poetry for the effective transfer of cultural values. The findings suggest that Persian poetry, through its unique combination of artistic expression and emotional resonance, serves as a vital medium for cultural preservation and transmission. The study highlights the importance of integrating poetry into educational and cultural frameworks to foster a deeper connection with Iranian cultural identity, particularly among younger generations.

Keywords: Poetry, Cultural transfer, Cultural concepts, Culture, Strategy

[3] PhD student in the Department of Management and Planning of Cultural Affairs, International Campus of Kish, Islamic Azad University, Kish Island, Iran (Corresponding Author)

[4] Assistant Professor in the Department of Tissue Engineering and Applied Cellular Sciences, Faculty of New Medical Technologies, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]